

**تبیین تغییرات ساختاری خشونت در جامعه
(مورد مطالعه: شهرستان خمینی شهر اصفهان)**

نیلوفر آقائی^۱

سید علی هاشمیان فر^۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

چکیده

پژوهش پیش‌روی با هدف تبیین تغییرات ساختاری خشونت با تأکید بر عوامل اجتماعی صورت پذیرفته است. پژوهش حاضر به روش پیمایش و کمی است. حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار نمونه‌گیری و به تعداد ۴۱۳ نفر است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد. با توجه به یافته‌های این پژوهش؛ سرمایه اجتماعی، رضایت از زندگی و سرمایه فرهنگی بر خشونت تأثیر معناداری داشته، همچنین وضعیت سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و خشونت در جامعه آماری پایین‌تر از حد متوسط، اما وضعیت رضایت از زندگی در جامعه آماری بالاتر از حد متوسط گزارش شده است. بر اساس یافته‌های به‌دست آمده، تمرکز بر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در یک محله کم برخوردار در عدم گرایش به تغییرات افزایشی خشونت اثرات قابل توجهی دارد. این امر در این مناطق و در بین جوانان و نوجوانان بیشتر به‌چشم می‌خورد و رضایت از زندگی و عدم خشونت تابع تغییر در میزان سرمایه‌هاست.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، رضایت از زندگی، خشونت، محلات کم‌برخوردار.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول). Niloofer73@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران.

مقدمه

خشونت یک پدیده‌ی تاریخی و جهانی است و در همه‌ی ادوار و جوامع وجود داشته است (اعزاز، ۱۳۸۴: ۱۴). بی‌شک وجود افزایش تغییرات خشونت در جامعه آسیب‌های روانی و جسمی زیادی به افراد و خسارت‌های بسیاری را به اموال وارد می‌کند و به‌طور گسترده می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به روابط و جامعه برساند. محسنی تبریزی در کتاب وندالیسم، خشونت را اینگونه تعریف می‌کند: خشونت و پرخاشگری را از نظر مفهومی می‌توان کنش و عملی در نظر گرفت که از جانب فرد یا افرادی و از روی اراده و آگاهی به‌منظور آسیب‌رسانی فیزیکی یا روحی و روانی به دیگران انجام می‌پذیرد (میرجعفری و بیابانی، ۱۳۸۷: ۳۰). رفتارهای خشن، طیف وسیعی از کنش‌ها و واکنش‌ها را شامل می‌شود که از خشونت کلامی آغاز می‌شود و به فجیع‌ترین نوع جرائم خشونت‌بار نظیر قتل‌های دسته‌جمعی می‌انجامد که در برگرفته سه مفهوم کلیدی ناهنجار بودن، ارادی بودن و آسیب رساندن است (میرجعفری و بیابانی، ۱۳۸۷: ۲۸). امروزه با تغییر و تحولاتی که در جامعه ایران بوجود آمده است، لزوم توجه به این مهم، امری اساسی به‌شمار می‌آید. زیرا خشونت در ابعاد کوچکتر، خانواده و جوانان را و در ابعاد بزرگتر جامعه را به تباهی می‌کشاند. هر چند در گذشته نیز مصادیقی از خشونت مشاهده شده است اما با بوجود آمدن تغییرات ساختاری گوناگون در حوزه اقتصادی و اجتماعی، لازم است بیش از پیش به آن توجه گردد. آمارها نشان می‌دهند که در سال ۱۳۹۸، ۱۰ هزار و ۸۱۳ نفر به‌دلیل نزاع به مراکز پزشکی قانونی استان اصفهان مراجعه کرده‌اند که ۳۴۱۳ نفر زن و ۷۴۰۰ نفر مرد بوده‌اند که این آمار نسبت به سال قبل روند صعودی داشته است. همچنین در سال ۱۳۹۹ از مجموع مراجعان صدمات ناشی از نزاع در سه ماهه اول، ۳ هزار و ۲۳۸ نفر زن و ۵ هزار و ۹۳۸ نفر مرد بودند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۹): که خود نشان‌دهنده‌ی وجود آسیب و مسأله در ساختار و روابط اجتماعی است زیرا افزایش خشونت در جامعه ما را از تغییرات ساختاری در حوزه اجتماعی آگاه می‌کند و محقق را به پژوهش در مورد علل تغییرات افزایشی در خشونت واداشته است. همچنین افزایش آمار خشونت در سال‌های اخیر مورد توجه استانداری اصفهان قرار گرفته است. به‌طور قطع مسائل مختلفی چون مشکلات اقتصادی، تعصبات فکری، تربیت خانوادگی، رشد و گسترش خشونت در رسانه‌های گروهی، اختلالات روانی، عقده‌های فکری، قدرت‌طلبی، اشکال در سیستم آموزشی و استفاده از مواد مخدر و روانگردان‌ها نقش بسزایی در بروز نزاع و خشونت در جامعه دارند.

مطابق با آمارهای به‌دست آمده از دفتر تسهیلگری و توسعه محلی جوی‌آباد در طرح شناسایی آسیب‌های محله و اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی این محله در سال ۱۳۹۸، پس از اعتیاد، خشونت اولویت دوم به میزان ۳۰ درصد را به خود اختصاص داده است که این آمار بسیار قابل توجه است و دلیل این امر می‌تواند از تنوع‌های قومیتی، عدم دسترسی به منابع، سرمایه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پایین

تبیین تغییرات ساختاری خشونت در جامعه (مورد مطالعه شهرستان خمینی شهر اصفهان)

نسبت به مراکز شهرها، نشأت بگیرد. این پدیده از جنبه‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی نیز قابل بررسی است اما پژوهش حاضر درصدد تبیین جامعه‌شناختی عوامل تأثیرگذار بر خشونت در محله‌ی جوی‌آباد شهرستان خمینی شهر استان اصفهان است.

خشونت به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی مهم ناشی از روابط ناصحیح انسانی است که این مسأله معلول تغییرات ساختارهای اجتماعی در جامعه امروزی می‌باشد. عوامل اجتماعی گوناگونی بر ایجاد خشونت و تغییرات افزایشی آن در جامعه تأثیرگذارند. همچنین به نظر می‌رسد که تغییرات در سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی باعث رشد روزافزون خشونت و نوعی اختلال و آشفتگی در روابط اجتماعی صورت می‌گیرد (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱). در ابتدا به مرور نظریه‌های مرتبط با خشونت می‌پردازیم:

در این زمینه هیرشی معتقد است که رفتارهای انحرافی مانند خشونت زمانی روی می‌دهند که پیوند فردی و جامعه گسسته یا ضعیف شود و در این میان خانواده که عامل اصلی اجتماعی‌شدن فرد در دوران طفولیت است و جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند دو عامل مهم در ایجاد این پیوندند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۲۱). او نیز معتقد است که کسانی که درگیر خانواده، کار سرگرمی و زندگی هستند اصولاً برای انجام رفتارهای کجروانه فرصت کمتری دارند. به همین دلیل هرچه مشارکت اجتماعی افراد بیشتر باشد رفتارهای کجروانه‌ی آن‌ها نیز کمتر خواهد بود.

دیدگاه‌های اخیر بر تأثیر اثربخشی جمعی در کنترل جرم و کجروی تأکید دارند. بر اساس این دیدگاه نهادهایی مثل مدرسه، خانواده و اجتماعاتی که همبستگی بالایی دارند، می‌توانند اثربخشی جمعی را توسعه دهند. اثربخشی جمعی به معنای اعتماد متقابل و مشارکت در نظارت بر جوانان و حفظ نظم عمومی است که جوامع با اثربخشی بالا، میزان پایینی از خشونت و رفتار انحرافی را تجربه می‌کنند (سیگل، ۲۰۰۳: ۱۸۲). بنابراین هرچه مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی بالا باشد خشونت و جرم به نازل‌ترین سطح خود می‌رسد. همچنین کلمن ادعا می‌کند که اگر سرمایه اجتماعی از بین رود روابط اجتماعی نیز نابود می‌شود و پیامد آن از بین رفتن انتظارات، تعهدات و خشونت است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۱).

در خصوص بروز خشونت عوامل زمینه‌ای متعددی نیز تأثیر گذارند؛ با توجه به آنچه در نمودارهای جرم‌شناختی و مخصوصاً منحنی «سن - جرم»، افراد در سنین آخر دوران نوجوانی، بیشتر از سایر دوره‌های سنی به جرایم خشونت‌آمیز مرتکب می‌شوند و از منظر جنسیت نیز مردان بیشتر از زنان در جرم مشارکت دارند (سیگل^۱، ۲۰۱۶: ۵۱).

نظریه‌های اجتماعی بسیاری به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت پرداخته‌اند. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار اجتماعی به واسطه شخصیت درونی افراد یا عوامل جامعه‌شناختی و محیطی تعیین نمی‌شود، بلکه رفتار اجتماعی فرایندی شناختی است که بر مبنای آن شخصیت و محیط به طور پیوسته با یکدیگر تعامل دارند. انسان‌ها رفتارهای دیگران را الگو قرار می‌دهند و رفتارهای شناختی و اجتماعی را که آن‌ها انجام می‌دهند را یاد می‌گیرند و یادگیری افراد از طریق مشاهده‌ی مجازات و پاداش‌های افراد تقویت می‌شود (انیل^۱، ۱۹۹۸: ۴۸۰). در این راه رفتارهای متعارض در خانواده و فقدان عملکرد مناسب و مشاهده‌ی پرخاشگری آنان از سوی کودکان، احتمال ارتکاب آن‌ها به خشونت و همسرآزاری در سنین بزرگسالی را افزایش می‌دهد (کانینگهام و همکاران^۲، ۱۹۹۸: ۶۳۰). باندورا نیز باور دارد که فرد از اتفاقاتی که در پیرامون او رخ می‌دهد تقلید می‌کند و به اشکال مختلف تقویت می‌شود. از نظر ساترلند نیز خشونت مانند سایر بزهکاری‌ها، حاصل یادگیری رفتار مجرمانه است که به تصویر کشیده شدن این رفتار در رسانه‌ها و بروز خشونت مبتنی بر اصول یادگیری مشاهده‌ای است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۸). در مجموع از دیدگاه یادگیری اجتماعی، می‌توان بیان کرد که پرخاشگری یا عدم پرخاشگری یک فرد، در مواقع خاص به عوامل متعددی مانند تجارب گذشته، تقویت‌های کنونی، نوع الگوی رفتاری که پرخاشگری را انجام می‌دهد و متغیرهایی که ادراک‌ها و افکار او را شکل می‌دهد، همچنین به متغیرهای اجتماعی و محیطی وابسته است. بر اساس رویکرد باندورا، یکی از رفتارهای اجتماعی که از طریق یادگیری انجام می‌شود، پرخاشگری است که به عوامل گوناگونی بستگی دارد مثل عوامل شناختی و اجتماعی، تجربه پرخاشگرانه افراد، تقویت‌های پرخاشگرانه و عواملی که باعث مطلوب بودن رفتار پرخاشگرانه می‌شود. بنابراین این نظریه معتقد است که افراد پرخاشگری را به وسیله‌ی مشاهده‌ی اعمال پرخاشگرانه‌ی دیگران یاد می‌گیرند و این آموزش‌ها را برای کسب بعضی اهداف یا پاداش برای اعمال خشن به کار می‌گیرند (زهری بیدگلی، ۱۳۶۴: ۱۰۴).

از منظر سرمایه اجتماعی می‌توان به نظریه دورکیم رجوع کرد که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد یعنی اینکه نیروی کششی که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد بالا باشد اعضای جامعه احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند اما اگر همبستگی اجتماعی در جامعه پایین و ضعیف باشد، ممکن است مردم به سوی رفتار مجرمانه سوق پیدا کنند (براون و همکاران، ۱۹۹۳: ۴۰). بنابراین تغییرات در سرمایه اجتماعی تغییرات در خشونت را به همراه دارد.

1- oneil

2- Cunningham & et al

تبیین تغییرات ساختاری خشونت در جامعه (مورد مطالعه شهرستان خمینی شهر اصفهان)

بر اساس نظریه منابع بلاد و ولف^۱ تمام سیستم‌های اجتماعی تا اندازه‌ای به زور و قدرت وابسته‌اند. برای سامان‌دهی سیستم‌های اجتماعی، خشونت و تهدید امری ضروری به‌شمار می‌آید. او معتقد است که خشونت مانند پول و صفات فردی است که برای هدف مورد نظر به‌کار می‌رود و در اغلب موارد زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که سایر منابع برای رسیدن به هدف کافی نباشند بنابراین هر چه منابعی که فرد در دسترس دارد بیشتر باشد، امکان اینکه فرد از خشونت استفاده کند کمتر است (آندرسون^۲، ۱۹۹۷). ویلیام گود نخستین کسی بود که نظریه منابع را درباره خشونت مطرح کرد. بر اساس این نظریه هرچه منابع در دسترس افراد بیشتر باشد کمتر از دیگران به روش خشونت به اعمال قدرت دست می‌زند. بنابراین قدرت افراد تحت تأثیر منابعی چون درآمد، استعدادها و تحصیلات قرار می‌گیرد و افرادی که از منبع قدرت بی‌بهره‌اند، مورد استفاده ابزاری افرادی قرار می‌گیرند که دارای منبع قدرت هستند و بر آن‌ها تسلط دارند (گود، ۱۹۷۱). با توجه به اینکه یکی از شاخص‌های مهم و اساسی رضایت از زندگی، امنیت در محل سکونت فرد می‌باشد دو نظریه مربوط به نیومن و مؤسسه پیشگیری از جرم، به‌دنبال راهی برای کاهش جرم است این درحالی است که جکوبز و هیلر در کنار ارائه راهکارهایی برای کاهش جرم، به‌دنبال افزایش احساس امنیت هستند و همچنین خشونت را به‌عنوان عاملی مؤثر در کاهش امنیت معرفی می‌کنند (مدیری، ۱۳۸۵: ۲۱).

در ادامه به نظریاتی که تأثیر متغیرهای مستقل پژوهش بر روی هم را بیان می‌کند خواهیم پرداخت. همانطور که می‌دانیم یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد در تعریفی مشارکت را «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن می‌داند» (امیراحمدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۷). به اعتقاد رابرت پاتنام عملکرد نهادهای اجتماعی و کیفیت زندگی عمومی از شبکه‌های مشارکت مدنی و هنجارها تأثیر گرفته‌اند. از نظر پاتنام مشارکت سیاسی، مشارکت در اجتماعات محلی، رای دادن و خواندن روزنامه جزء معرف‌های مشارکت مدنی می‌باشد (پاتنام، ۲۰۰۷: ۷). مشارکت مدنی از جمله احزاب توده‌ای، پیوندهای خویشاوندی، تعاونی‌ها، انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرودخوانی و باشگاه‌های ورزشی نقش مهمی در حل کردن مشکلات جمعی دارند و از نمادهای سرمایه اجتماعی می‌باشد. بنابراین به اعتقاد پاتنام شبکه‌ی افراد و تعلق گروه یکی از مهمترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌باشد و او اعتقاد دارد که این مؤلفه در کنار دیگر مؤلفه‌ها باعث ایجاد مشارکت بهینه در اجتماع و ارتباط و نهایتاً رضایت و کیفیت زندگی آن‌ها می‌شود. به اعتقاد او ارتباط متقابل اعضا و اعتماد در شبکه وسیله‌ای برای وصول به کیفیت زندگی بالاتر است.

1- Blod & wolf
2- Anderson

ماسام نیز در این حوزه اشاره می‌کند که یکی از عوامل مهم در وابستگی متقابل افراد جامعه، اعتماد به دیگران است همچنین همکاری، ایجاد احساس تعلق، مشارکت و به‌کارگیری شیوه‌هایی برای هویت‌سازی از طریق فرصت دادن به شهروندان برای نیل به رضایت از کیفیت زندگی امری ضروری می‌باشد (غفاری، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

با توجه به اینکه تحصیلات یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی است، اینگلهارت معتقد است که رضایت از زندگی در افراد تحصیل کرده بیشتر است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۵۹). همچنین به اعتقاد سوزا و لابومیرسکی، بین تحصیلات و رضایت از زندگی رابطه‌ی اندکی وجود دارد و مواقعی که شغل و درآمد به‌عنوان متغیر کنترل‌گر وارد می‌شود، رابطه‌ی آن‌ها بسیار ناچیز می‌گردد. پژوهش‌ها در این رابطه نیز حاکی از آن است که بین رضایت از زندگی و تحصیلات افراد در کشورهای فقیر رابطه‌ی بیشتری وجود دارد و در جوامع مرفه افراد تحصیل کرده از زندگی‌شان ناراضی‌ترند (سوزا و لابومیرسکی، ۲۰۰۱: ۲۵).
بورديو به شکل‌های غیرملموس یا جدید سرمایه توجه خاص دارد. به اعتقاد او موقعیت و جایگاه فرد، میزان سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را تعیین می‌کند؛ بدین‌گونه که فردی که سه سرمایه را به میزان بالاتری دارد در جایگاه بالاتر اجتماعی قرار دارد و فردی که از سه نوع سرمایه به میزان کمتری برخوردار است در جایگاه پایین‌تری قرار دارد (بورديو، ۱۳۸۴). او نیز در نظریه‌ی کنش خود معتقد است که نهادهای آموزشی سبب بازتولید نحوه توزیع سرمایه فرهنگی می‌شوند و بازتولید ساختار فضای اجتماعی و بازتولید ترکیب طبقات به‌دنبال آن انجام می‌گیرد. نکته‌ی مهم دیگر در مورد سرمایه‌ها مبین آن است که صور متفاوت سرمایه قابل تبدیل به یکدیگرند؛ به‌عنوان نمونه، تحصیلات که مؤلفه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی است قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی و همچنین تبدیل به سرمایه اجتماعی دارد. به اعتقاد بورديو سرمایه فرهنگی می‌تواند سبب تسلط و برتری گروه‌ها و افراد بر دیگران شود. کسی که از طریق سرمایه فرهنگی منزلت کسب کرده است می‌تواند روایت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کند (بورديو، ۱۳۸۰: ۴۶).

در مجموع با مروری بر نظریه‌های یادگیری اجتماعی، نظریه‌ی منابع ویلیام گود و همچنین نظریات پاتنام، ماسام، هیرشی، کلمن، اینگلهارت، بورديو، جیکوبز و هیلر کلیتی از تغییرات عوامل اجتماعی و تأثیرات آن بر خشونت مطرح شده است و در این پژوهش از نظریه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی، همبستگی اجتماعی دورکیم، اعتماد اجتماعی و کیفیت زندگی ماسام، رضایت از زندگی اینگلهارت استفاده شده است و از نظریه‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات در سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و رضایت از زندگی بر خشونت تأثیر می‌گذارند بدین‌گونه که با کاهش عوامل اجتماعی شاهد تغییرات افزایشی در روند خشونت در جامعه هستیم و این مسأله زمانی اهمیت می‌یابد که در محله‌ای کم‌برخوردار به‌لحاظ دسترسی و منابع مطرح گردد و به یک امر ناپه‌نچار تبدیل شود.

تبیین تغییرات ساختاری خشونت در جامعه (مورد مطالعه شهرستان خمینی شهر اصفهان)

از میان پژوهش‌های داخلی انجام گرفته در خصوص خشونت می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد: رنجبر و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ی خود در خصوص گرایش به خشونت خیابانی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در شهروندان بالای ۱۵ سال در اردبیل دریافت که بین متغیرهای تحصیلات و خشونت رابطه معناداری وجود دارد و بین متغیرهای زمینه‌ای میانگین گرایش به خشونت تنها به تفکیک تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از پژوهش بگرضایی و همکاران (۱۳۹۸) با هدف تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و خشونت در ایلام نشان داد که ۶۲ درصد از تغییرات متغیر خشونت به وسیله‌ی متغیر سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن تبیین شده است و برخورداری از سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در رضایت از زندگی و بهبود کیفیت از زندگی و همچنین کاهش پدیده خشونت را به همراه دارد.

نجفی اصل و احمدی اوندی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ی خود با یک بررسی کیفی در عوامل مؤثر اجتماعی - فرهنگی بر نزاع دسته‌جمعی شهرستان ایذه، نشان دادند که همبستگی درون‌گروهی، جمع‌گرایی عمودی، پیوندهای خویشاوندی، بی‌اعتمادی، تعصبات طایفه‌ای، بیکاری و تجربه عینی نزاع (مشاهده و مشارکت)، زمینه‌ی نزاع دسته‌جمعی را مهیا می‌کنند.

افشانی و پوررحیمیان (۱۳۹۶) در پژوهشی کمی نشان دادند که بین سرمایه فرهنگی زنان و ابعاد آن با خشونت خانگی علیه زنان رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد به بیان دیگر افزایش سرمایه‌ی فرهنگی باعث کاهش خشونت خانگی علیه زنان خواهد شد.

محسنی و دیگران (۱۳۹۶) در پیمایشی نشان دادند که بین گرایش شهروندان به خشونت خیابانی و بزه‌دیدگی، قوم‌گرایی، افت سرمایه اجتماعی، کم‌رنگ‌شدن اعتقادات مذهبی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. عابدینی (۱۳۹۴) در پژوهشی با رهیافت مشارکتی در محله‌ی هاشم‌آباد منطقه ۱۵ تهران نشان داد که عواملی مانند عدم وجود قوانین حمایتی در رابطه با زنان خشونت دیده، مشکلات اقتصادی، اعتیاد، فضاهای نامناسب شهری و آموزش از جمله زمینه‌های تأثیرگذار بر پدیده‌ی آزار و خشونت خیابانی هستند.

نتایج پژوهش افشانی و همکاران (۱۳۹۴) حاکی از آن است که افراد با تحصیلات پایین‌تر، تمایل بیشتری نسبت به نزاع و خشونت دارند و افراد متأهل و مجرد از نظر میزان گرایش و تمایل به خشونت تفاوت معناداری داشته‌اند. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد که در مجموع متغیرهای مستقل این مطالعه ۲۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند.

نتیجه‌ی مطالعه‌ی شریعتی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که بین متغیرهای عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی، عوامل فرهنگی - تاریخی، خانوادگی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بر مبنای این پژوهش از طریق تحلیل مسیر و همچنین رگرسیون،

بیشترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای خانوادگی و عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی بر تمایلات به نزاع‌های دسته جمعی داشته است.

گلچین و حیدری (۱۳۹۱) یافته‌های پژوهش خود را این چنین مطرح کرده‌اند که هر اندازه سرمایه اجتماعی در مدرسه و خانواده و اکثر مؤلفه‌های این شاخص بالاتر باشد، خشونت در بین دانش‌آموزان اعم از خشونت لفظی و خشونت فیزیکی ملایم و شدید آن‌ها، کمتر خواهد بود.

در پژوهش موسوی و دیگران (۱۳۹۰) یافته‌ها نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و متغیرهای خشونت، فقر، سطح سواد، رشد طبیعی جمعیت، میزان بیکاری و پوشش بیمه به‌عنوان بیانگرهای سلامت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۲).

نتایج پژوهش نادری (۱۳۸۹) با مطالعه علل رفتارهای وندالیستی در شهر همدان نشان داد که متغیر مشارکت، وضعیت اقتصادی و تعلق شهروندی با رفتارهای وندالیستی رابطه معناداری داشتند و بین متغیر نگرش توزیع نابرابر امکانات و متغیر ناکامی اجتماعی با رفتار وندالیستی رابطه معناداری وجود داشت (کرد کریمی، روشنایی، ۱۳۹۵: ۶۴).

پژوهش‌های خارجی که در این زمینه انجام گرفته است نیز به خشونت و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند:

یافته‌های تحقیق سن و بولسوی (۲۰۱۷) در ترکیه نشان داد که متغیر سن، تحصیلات، حمایت اجتماعی، محیط زندگی، تحصیلات مرد و اشتغال با خشونت علیه زنان رابطه معناداری دارد. همچنین نتایج مطالعات هیندین، کیش و آنسارا (۲۰۰۸) حاکی از آن است که تحصیلات بالاتر، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی، عامل قوی و محافظت‌کننده در برابر خشونت خانگی است.

در مطالعات سرمایه اجتماعی و خشونت پژوهش راییت و فیتزپاتریک (۲۰۰۶) به بررسی رابطه‌ی بین رفتارهای خشونت‌آمیز و سرمایه اجتماعی در نمونه‌ای از دانش‌آموزان دبیرستانی می‌پردازد؛ نتایج ارزیابی و سنجش مدل‌های چندمتغیره‌ای که رابطه‌ی رفتارهای خشن را در خانواده، مدرسه و محله بررسی می‌کند، نشان می‌دهد که اهمیت سرمایه اجتماعی به‌گونه‌ای است که پیامد خشونت در روابط والدین و فرزندان را کاهش می‌دهد.

ماید و اکیوک (۲۰۰۴)، در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که میزان تحصیلات پایین زوج‌ها با میزان خشونت فیزیکی رابطه دارد. علاوه بر آن، در پژوهشی دیگر راییت و همکارانش (۲۰۰۱) به رابطه‌ی بین رفتارهای بزهکارانه و سرمایه اجتماعی خانواده پرداخته‌اند. به‌طوری‌که طبق نظریه کلمن یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی خانواده از میزان بزهکاری در طول زمان می‌کاهد و باعث تعدیل تأثیرات بدرفتاری می‌شود.

مایر و همکارانش در پژوهشی در زمینه خشونت و میزان خرابکاری در مدارس به این نتایج دست پیدا کردند که بالارفتن سطح تحصیلات به کاهش رفتارهای تخریبی می‌انجامد و همچنین نشان داد که

تبیین تغییرات ساختاری خشونت در جامعه (مورد مطالعه شهرستان خمینی شهر اصفهان)

دختران خرابکار کمتر از پسران خرابکار از حمایت و راهنمایی پدر و مادرشان برخوردار بودند (مایر و همکارانش، ۱۹۸۷: ۲۵۹-۲۷۰).

با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار خواهند گرفت:

فرضیه اول: سرمایه اجتماعی بر خشونت مؤثر می‌باشد.

فرضیه دوم: رضایت از زندگی بر خشونت مؤثر می‌باشد.

فرضیه سوم: سرمایه فرهنگی بر خشونت مؤثر می‌باشد.

فرضیه چهارم: بین متغیرهای تأثیرگذار بر خشونت و خشونت در جامعه رابطه ساختاری وجود دارد.

روش

روش انتخاب‌شده در این پژوهش با توجه به معیارهای متفاوتی صورت پذیرفته است؛ این پژوهش بر اساس معیار هدف در گروه پژوهش‌های کاربردی، بر اساس معیار ماهیت داده‌ها و مبنای پژوهش یک پژوهش کمی، بر اساس معیار خصوصیات موضوع یا مسأله پژوهش یک پژوهش همبستگی یا همخوانی، بر اساس معیار انواع تحقیقات بر اساس نوع داده یک پژوهش با داده‌های دست اول، بر اساس معیار روش جمع‌آوری اطلاعات یک پژوهش میدانی با استفاده از تکنیک پرسشنامه و بر اساس معیار میزان ژرفایی یک پژوهش پهنانگر می‌باشد. اصلی‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش ۴ پرسشنامه (پرسشنامه سرمایه اجتماعی، پرسشنامه رضایت از زندگی، پرسشنامه سرمایه فرهنگی و پرسشنامه خشونت) می‌باشد. طیف مورد استفاده در پرسشنامه این پژوهش یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد. روایی پژوهش از نوع روایی صوری و پایایی پژوهش نیز بر اساس آزمون آلفای کرونباخ برای پرسشنامه سرمایه اجتماعی ۰/۷۰، برای پرسشنامه رضایت از زندگی ۰/۷۲، برای پرسشنامه سرمایه فرهنگی ۰/۷۵ و برای پرسشنامه خشونت ۰/۷۷ درصد به تأیید رسیده است. ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ای این پژوهش نرم‌افزار آماری SPSS & AMOS می‌باشد. به‌منظور تعیین وجود یا عدم وجود رابطه یا تأثیر بین متغیرها و برآورد و تعمیم نتایج به‌دست‌آمده از حجم نمونه به جامعه آماری از مدل رگرسیونی و آزمون تی تک‌نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان ۱۵ سال به بالای محله حاشیه‌ای جوی‌آباد در شهرستان خمینی شهر اصفهان می‌باشد که ۱۴۱۸۲ نفر است و حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار نمونه‌گیری SPSS Sample Power صورت گرفته و حجم نمونه مطلق با خروجی نرم‌افزار با محاسبه آلفای ۰/۰۱، توان ۰/۹۵ و معناداری ۰/۰۵ از ضریب تعیین (R^2) در جامعه آماری برابر با ۴۳۷ نفر می‌باشد که با کسر ۲۴ پرسشنامه مخدوش حجم نهایی نمونه به ۴۱۳ نفر کاهش یافت؛ شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد.



شکل شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: توزیع جنسیت پرسش‌شوندگان در این پژوهش حاکی از آن است که ۵۱/۸ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۸/۲ درصد زن بوده‌اند. ۸۰/۱ درصد از پرسش‌شوندگان میزان تحصیلات خود را دیپلم یا پایین‌تر و ۶/۳ درصد فوق دیپلم، ۱۱/۴ درصد لیسانس و ۱۱/۲ درصد نیز میزان تحصیلات خود را فوق لیسانس و بالاتر گزارش نموده‌اند. ۹ درصد از پرسش‌شوندگان سن خود را کمتر از ۲۰ سال، ۲۵/۴ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۶/۴ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۴ درصد بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۲۵/۲ درصد نیز سن خود را بیشتر از ۵۰ سال گزارش نموده‌اند. میانگین سنی پرسش‌شوندگان در این پژوهش ۳۹/۵ سال (حدود ۴۰ سال)، حداقل سن ۱۵ و حداکثر سن ۸۶ سال گزارش شده است.

جدول شماره (۱): فراوانی پاسخگویان به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی

متغیرها	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۵۱/۸
	زن	۴۸/۲
میزان تحصیلات	دیپلم و پایین‌تر	۸۰/۱
	فوق دیپلم	۶/۳
	لیسانس	۱۱/۴
	فوق لیسانس و بالاتر	۲/۲
سن	کمتر از ۲۰ سال	۹
	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۲۵/۴
	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۲۶/۴
	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۱۴
	بیشتر از ۵۰ سال	۲۵/۲
میانگین سن	حدأقل سن	حدأکثر سن
۳۹/۵	۱۵	۸۶
انحراف معیار		
۱۶		

تبیین تغییرات ساختاری خشونت در جامعه (مورد مطالعه شهرستان خمینی شهر اصفهان)

جدول شماره (۲): آماره‌های پراکندگی مرکزی از متغیرهای سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی

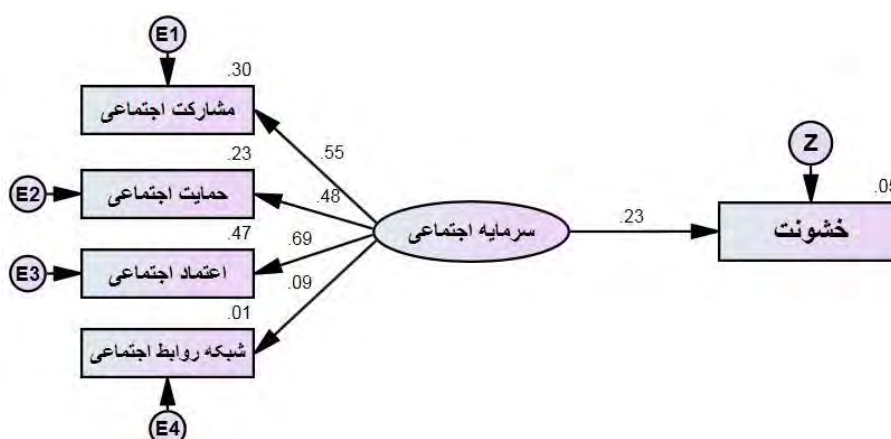
متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
مشارکت اجتماعی	۴۱۳	۲/۱۰	۰/۷۸
حمایت اجتماعی	۴۱۳	۱/۴۴	۰/۹۳
اعتماد اجتماعی	۴۱۳	۲/۳۷	۰/۹۲
شبکه روابط اجتماعی	۴۱۳	۲/۹۹	۰/۶۸
سرمایه اجتماعی	۴۱۳	۲/۲۱	۰/۵۹
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۴۱۳	۱/۴۵	۰/۸۰
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۴۱۳	۱/۵۱	۱/۰۷
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۴۱۳	۱/۴۲	۱/۳۵
سرمایه فرهنگی	۴۱۳	۱/۴۱	۱/۱۴
رضایت از سلامت و تغذیه	۴۱۳	۳/۱۹	۱/۱۲
رضایت اقتصادی	۴۱۳	۴/۵۳	۱/۵۰
رضایت از محل زندگی	۴۱۳	۲/۹۶	۱/۰۳
رضایت از امنیت	۴۱۳	۲/۲۹	۱/۴۸
رضایت از زندگی	۴۱۳	۳/۱۹	۲/۳۰
خشونت	۴۱۳	۱/۴۹	۱/۱۸

با توجه به آماره‌های فوق که به میانگین‌های اکتسابی متغیرهای پژوهش اختصاص دارد، متغیر سرمایه اجتماعی و کلیه مؤلفه‌های آن دارای میانگینی پایین‌تر از حد متوسط جامعه (۳) می‌باشند، بیش‌ترین تا کم‌ترین میانگین در مؤلفه‌های متغیر سرمایه اجتماعی به ترتیب اختصاص دارد به: ۱- شبکه روابط اجتماعی ۲- اعتماد اجتماعی ۳- مشارکت اجتماعی ۴- حمایت اجتماعی. متغیر سرمایه فرهنگی و کلیه مؤلفه‌های آن دارای میانگینی پایین‌تر از حد متوسط جامعه (۳) می‌باشند، بیش‌ترین تا کم‌ترین میانگین در مؤلفه‌های متغیر سرمایه اجتماعی به ترتیب اختصاص دارد به: ۱- سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته ۲- سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته ۳- سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده. متغیر رضایت از زندگی و مؤلفه‌های آن (بجز مؤلفه‌های رضایت از محل زندگی و رضایت از امنیت) میانگین اکتسابی بالاتر از حد متوسط جامعه (۳) را به خود اختصاص داده‌اند، بیش‌ترین تا کم‌ترین میانگین در مؤلفه‌های متغیر رضایت از زندگی به ترتیب اختصاص دارد به: ۱- رضایت اقتصادی ۲- رضایت از سلامت و تغذیه ۳- رضایت از محل زندگی ۴- رضایت از امنیت. متغیر خشونت نیز دارای میانگینی پایین‌تر از حد متوسط جامعه (۳) می‌باشد.

مدل ۱: مدل رگرسیونی با متغیر پنهان از تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت برای بررسی فرضیه ۱

«سرمایه اجتماعی بر خشونت مؤثر می‌باشد»

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره هفتم، پاییز ۱۴۰۰



شکل شماره (۲): مدل رگرسیونی تأثیر سرمایه اجتماعی بر خوشونت

جدول شماره (۳): خروجی استاندارد وزن‌های رگرسیونی

متغیرها	مقادیر استاندارد شده	نقاط بحرانی	سطح معناداری
تأثیر سرمایه اجتماعی بر خوشونت	۰/۲۳	۴/۵۵	۰/۰۰۰۱

جدول شماره (۴): خروجی استاندارد آزمون بوت استرپ در ضریب تعیین (R^2)

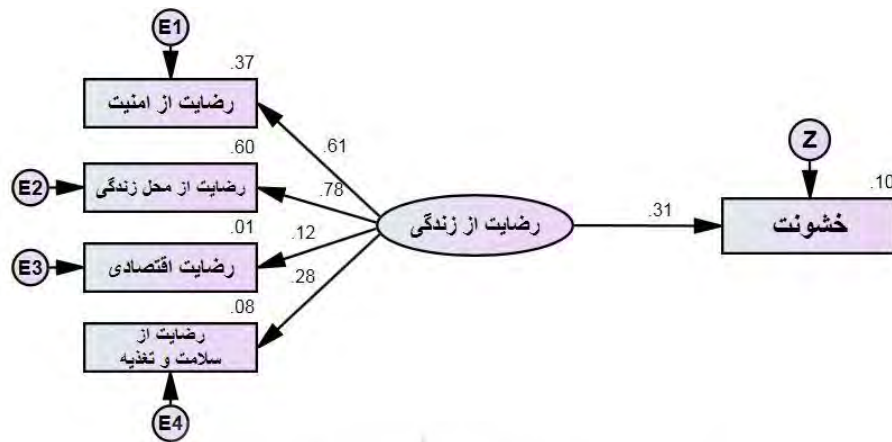
مقادیر استاندارد شده	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۰۰۰۱

با توجه به مدل و خروجی استاندارد آن در نرم‌افزار Amos چنین می‌توان استنباط نمود که میزان تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته برابر با ۰/۲۳ و معنادار گزارش شده و فرضیه فوق تأیید می‌گردد. ضریب تعیین R^2 آن نیز برابر با ۰/۰۵ می‌باشد و بیانگر آنست که ۵ درصد واریانس متغیر وابسته (خشونت) توسط متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) تبیین شده است. نتیجه آزمون بوت استرپ و سطح معناداری آن نیز نشان داد که می‌توان میزان خوشونت را بر اساس سرمایه اجتماعی در جامعه آماری پیش‌بینی نمود. گرایش به خوشونت بازتاب‌کننده‌ی تغییرات ساختار اجتماعی است و با حادث شدن این موضوع در جامعه نوعی اختلال در روابط اجتماعی موجود و اختلال در شبکه‌های اجتماعی را خبر می‌دهد که ناشی از تغییرات اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۸: ۳). در این فرضیه می‌توان به نظریه دورکیم رجوع کرد مبنی بر اینکه اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد یعنی اینکه نیروی کششی که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد بالا باشد اعضای جامعه احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند اما اگر همبستگی اجتماعی در جامعه پایین و ضعیف باشد، ممکن است مردم به‌سوی رفتار مجرمانه سوق پیدا کنند (براون و همکاران، ۱۹۹۳: ۴۰). بنابراین تغییرات در سرمایه اجتماعی تغییرات در خوشونت را به همراه دارد.

در همین راستا نتایج پژوهش‌های رایت و همکاران (۲۰۰۶)، سن و بولسوی (۲۰۱۷)، نجفی و احمدی (۱۳۹۶) و محسنی و دیگران (۱۳۹۶) با فرضیه فوق همسو است.

مدل ۲: مدل رگرسیونی با متغیر پنهان از تأثیر رضایت از زندگی بر خوشونت برای بررسی فرضیه ۲ «رضایت از زندگی بر خوشونت مؤثر می‌باشد».

تبیین تغییرات ساختاری خشونت در جامعه (مورد مطالعه شهرستان خمینی شهر اصفهان)



شکل شماره (۳): مدل رگرسیونی تأثیر رضایت از زندگی بر خشونت

جدول شماره (۵): خروجی استاندارد وزن‌های رگرسیونی

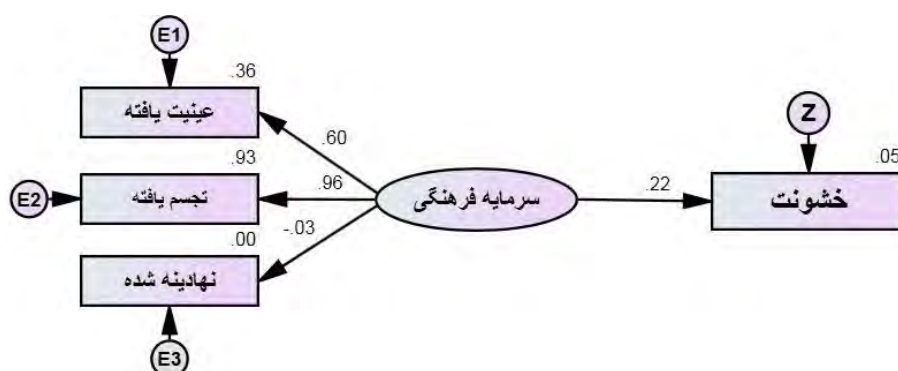
متغیرها	مقادیر استاندارد شده	نقاط بحرانی	سطح معناداری
تأثیر رضایت از زندگی بر خشونت	۰/۳۱	۳/۸۳	۰/۰۰۰۱

جدول شماره (۶): خروجی استاندارد آزمون بوت استرپ در ضریب تعیین (R²)

مقادیر استاندارد شده	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
۰/۱۰	۰/۰۲	۰/۲۱	۰/۰۰۰۱

با توجه به مدل و خروجی استاندارد آن در نرم‌افزار Amos چنین می‌توان استنباط نمود که میزان تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته برابر با ۰/۳۱ و معنادار گزارش شده و فرضیه فوق تأیید می‌گردد. ضریب تعیین R^2 آن نیز برابر با ۰/۱۰ می‌باشد و بیانگر آنست که ۱۰ درصد واریانس متغیر وابسته (خشونت) توسط متغیر مستقل (رضایت از زندگی) تبیین شده است. نتیجه آزمون بوت استرپ و سطح معناداری آن نیز نشان داد که می‌توان میزان خشونت را بر اساس رضایت از زندگی در جامعه آماری پیش‌بینی نمود. در رابطه با تأثیر رضایت از زندگی بر خشونت از نظریات جکوبز و هیلر استفاده شده است. این نظریات بر تأثیر رضایت از امنیت محل زندگی بر بروز خشونت تأکید دارند که در محلات کم‌برخوردار نمود بیشتری پیدا می‌کند زیرا هرچه امنیت در محله مورد پژوهش (جوی‌آباد) کمتر باشد، میزان جرم و خشونت افزایش پیدا می‌کند. به همین جهت نتایج این فرضیه با نظریه حاصل در یک راستا قرار دارد.

مدل ۳: مدل رگرسیونی با متغیر پنهان از تأثیر سرمایه فرهنگی بر خشونت برای بررسی فرضیه ۳ «سرمایه فرهنگی بر خشونت مؤثر می‌باشد».



شکل شماره (۴): مدل رگرسیونی تأثیر سرمایه فرهنگی بر خشونت

جدول شماره (۷): خروجی استاندارد وزن‌های رگرسیونی

متغیرها	مقادیر استاندارد شده	نقاط بحرانی	سطح معناداری
تأثیر سرمایه فرهنگی بر خشونت	۰/۲۲	۴/۳۰	۰/۰۰۰۱

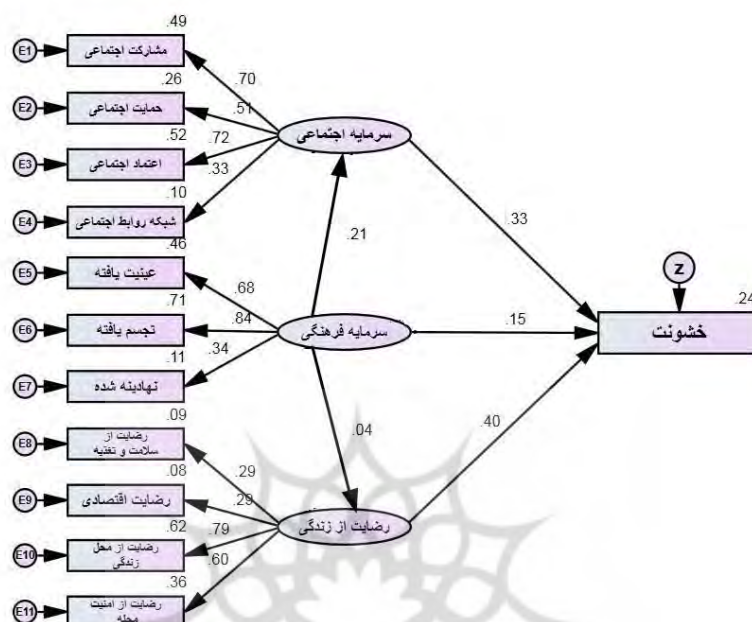
جدول شماره (۸): خروجی استاندارد آزمون بوت استرپ در ضریب تعیین (R^2)

مقادیر استاندارد شده	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
۰/۰۵	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۰۰۰۱

با توجه به مدل و خروجی استاندارد آن در نرم‌افزار Amos چنین می‌توان استنباط نمود که میزان تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته برابر با ۰/۲۲ و معنادار گزارش شده و فرضیه فوق تأیید می‌گردد. ضریب تعیین R^2 آن نیز برابر با ۰/۰۵ می‌باشد و بیانگر آنست که ۵ درصد واریانس متغیر وابسته (خشونت) توسط متغیر مستقل (سرمایه فرهنگی) تبیین شده است. نتیجه آزمون بوت استرپ و سطح معناداری آن نیز نشان داد که می‌توان میزان خشونت را بر اساس سرمایه فرهنگی در جامعه آماری پیش‌بینی نمود. نتایج تحقیقات افشانی و پوررحیمیان (۱۳۹۶)، عابدینی (۱۳۹۴)، سن و بولسوی (۲۰۱۷) و هیندین و همکاران (۲۰۰۸) فرضیه فوق را حمایت می‌کنند. با توجه به اینکه تحصیلات یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی است، اینگلهارت معتقد است که رضایت از زندگی در افراد تحصیل کرده بیشتر است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۵۹). همچنین به اعتقاد سوزا و لایومیرسکی، بین تحصیلات و رضایت از زندگی رابطه‌ی اندکی وجود دارد و مواقعی که شغل و درآمد به‌عنوان متغیر کنترل‌گر وارد می‌شود، رابطه‌ی آن‌ها بسیار ناچیز می‌گردد. در نتیجه وقتی رضایت از زندگی افزایش یابد تغییرات در خشونت کاهش پیدا می‌کند.

تبیین تغییرات ساختاری خشونت در جامعه (مورد مطالعه شهرستان خمینی شهر اصفهان)

مدل ۴: بین متغیرهای تأثیرگذار بر خشونت و خشونت در جامعه رابطه ساختاری وجود دارد.



شکل شماره (۵): مدل رگرسیونی متغیرهای تأثیرگذار بر خشونت

جدول شماره (۹): خروجی استاندارد مدل

متغیرها	مقادیر استاندارد شده	نقاط بحرانی	سطح معناداری
تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت	۰/۳۳	۵/۸۳	۰/۰۰۰۱
تأثیر سرمایه فرهنگی بر خشونت	۰/۱۵	۲/۸۰	۰/۰۰۵
تأثیر رضایت از زندگی بر خشونت	۰/۴۰	۶/۱۵	۰/۰۰۰۱

جدول شماره (۱۰): خروجی استاندارد آزمون بوت استرپ در ضریب تعیین (R2)

مقادیر استاندارد شده	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
۰/۲۴	۰/۱۴	۰/۳۵	۰/۰۰۰۱

با توجه به مدل و خروجی استاندارد آن در نرم افزار Amos چنین می توان استنباط نمود که میزان تأثیر متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و رضایت از زندگی) بر متغیر وابسته (خشونت) به ترتیب برابر با ۰/۳۳، ۰/۱۵ و ۰/۴۰ می باشد و تأثیرات آن معنادار گزارش شده است. ضریب تعیین R2 آن نیز برابر با ۰/۲۴ می باشد و بیانگر آنست که ۲۴ درصد واریانس متغیر وابسته (خشونت) توسط متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و رضایت از زندگی) تبیین شده است. نتیجه

آزمون بوت استرپ و سطح معناداری آن نیز نشان داد که می‌توان میزان خشونت را بر اساس سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و رضایت از زندگی در جامعه آماری پیش‌بینی نمود.

جدول شماره (۱۱): شاخص‌های برازش کلی مدل معادله ساختاری خشونت

شاخص معیار برازش مدل اول	سطح قابل قبول	تفسیر	میزان حاصل	حد پذیرش	شاخص معیار برازش مدل اول	سطح قابل قبول
کای اسکور نسی (CMIN/DF)	۵ تا ۱	مقدار کمتر از ۱ نشان‌دهنده ضعف مدل و مقدار بیشتر از ۵ نیاز به بهبود مدل دارد.	۲/۹۷۲	قابل قبول	کای اسکور نسی (CMIN/DF)	۵ تا ۱
برازش تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰	بین صفر تا یک متغیر است و بیشتر از ۰/۹۰ مطلوب است.	۰/۸۸۲	قابل قبول	برازش تطبیقی (CFI)	بزرگتر از ۰/۹۰
برازش تطبیقی مقصد (PCFI)	بزرگتر از ۰/۵۰	هرچه این شاخص کوچکتر باشد نامطلوب تلقی می‌شود.	۰/۷۲۸	قابل قبول	برازش تطبیقی مقصد (PCFI)	بزرگتر از ۰/۵۰
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	کوچکتر از ۰/۰۸	مقدار کمتر از ۰/۰۵ یک برازش خوب را نشان می‌دهد.	۰/۰۶۹	قابل قبول	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	کوچکتر از ۰/۰۸

با توجه به جدول شماره (۱۱)، ذکر این نکته ضرورت دارد که در رابطه با شاخص‌های کلی برازش هیچ شاخص منفردی وجود ندارد که بتوان بر اساس آن درباره کلیت مدل قضاوت کرد بلکه لازم است تا مجموعه‌ای از شاخص‌های مطلق، تطبیقی و مقصد با هم در نظر گرفته شود. نسبت کار اسکور به درجه آزادی به جهت قضاوت و حمایت از داده‌ها شاخص مناسبتری است این مقدار برای این مدل برابر ۲/۹۷ است که قابل قبول می‌باشد. شاخص برازش تطبیقی و برازش تطبیقی مقصد نیز نسبت به نقطه برش هر کدام در سطح مطلوبی قرار گرفته است. ریشه میانگین مربعات خطای برآورد نیز از شاخص‌های بدی برازش است یعنی هرچه کمتر باشد برازش خوب را نشان می‌دهد. همینطور شاخص‌های مطلق (شاخص نیکویی برازش) مدل تدوین شده در دامنه مناسب است. شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل در مجموع نشان می‌دهند که مدل تدوین شده توسط داده‌های گردآوری شده حمایت می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

از بررسی تجربی فرضیات این پژوهش که با هدف تبیین و بررسی تغییرات ساختاری خشونت در جامعه صورت پذیرفته است درمی‌یابیم که میزان تغییرات خشونت اعمال شده در جامعه می‌تواند تحت تأثیر عوامل اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، رضایت از زندگی افزایش یا کاهش یابد که عمدتاً این متغیرها ابعاد مختلف از خشونت مانند کلامی، روانی و جنسی را در برمی‌گیرد. از سنجش رابطه انواع سرمایه‌ها با خشونت در جامعه می‌توان نتیجه گرفت که همبستگی معکوس و معناداری بین آن‌ها وجود دارد و اینکه می‌توان میزان خشونت را بر اساس سرمایه اجتماعی و فرهنگی در جامعه آماری پیش‌بینی نمود. هرچه میزان تغییرات در سرمایه‌ها کاهش یابد خشونت افزایش پیدا می‌کند.

تبیین تغییرات ساختاری خشونت در جامعه (مورد مطالعه شهرستان خمینی شهر اصفهان)

به عبارت دیگر جامعه‌ای که از سرمایه‌های بالاتری برخوردار است میزان ارتکاب پایین‌تری از خشونت را نشان داده‌اند. در نظریه بوردیو جایگاهی که برای سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود بر گستره پیوندها و یا شبکه‌های اجتماعی متمرکز است. بنابراین سرمایه اجتماعی بالا در جامعه موجب آسایش و آرامش افراد و در نتیجه رضایت از زندگی بیشتری را به همراه دارد و نبود آن موجب انحراف اجتماعی و تغییر در کانون خانواده و از هم‌پاشی آن در جامعه می‌شود که آزمون فرضیات تحقیق نیز صحت این امر را تأیید می‌کند.

سرمایه فرهنگی نیز به وسیله صلاحیت‌های اجتماعی تعیین می‌گردد. نتایج این پژوهش نشان داد که جوامعی که از سرمایه فرهنگی پایین‌تری برخوردارند، بالاترین میزان خشونت را تجربه می‌کنند به بیان دیگر سرمایه فرهنگی نقش تعیین‌کننده و تغییردهنده‌ای در رفتارهای خشونت‌آمیز ایفا می‌کند. در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که داده‌های تجربی از نظریه‌های اجتماعی که مطرح شده است حمایت می‌کند بدین معنا که هیرشی و کلمن تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت را تأیید می‌کنند؛ به عبارت دیگر نقش مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، شبکه روابط و مشارکت اجتماعی را بر میزان خشونت در جامعه مؤثر می‌دانند. در خصوص تأثیر سرمایه فرهنگی بر میزان خشونت، از نظریه منابع ویلیام گود بهره گرفتیم که با توجه به نتایج تجربی نیز تأثیر این دو متغیر معنادار است. در رابطه با تأثیر رضایت از زندگی بر خشونت از نظریات جکوبز و هیلر استفاده شده است. این نظریات بر تأثیر رضایت از امنیت محل زندگی بر بروز خشونت تأکید دارند که در محلات کم برخوردار نمود بیشتری پیدا می‌کند زیرا هرچه امنیت در محله مورد پژوهش (جوی‌آباد) کمتر باشد، میزان جرم و خشونت افزایش پیدا می‌کند.

با توجه به یافته‌های به دست آمده از تحقیق حاضر و لزوم کاهش خشونت در جامعه کم‌برخوردار جوی‌آباد ابتدا باید تغییرات ساختاری در سرمایه فرهنگی و اجتماعی بوجود بیاید بدین منظور که فعالیت‌هایی که جنبه‌ی مشارکتی و انسجام بیشتر را می‌طلبد گسترش پیدا کند تکنیک بارش افکار و ایجاد اتاق فکر در بین نوجوانان می‌تواند اعتماد و انسجام را در جهت مثبت تغییر دهد. برای مثال در این محله هیچ‌گونه فرهنگسرا و کانون پرورش فکری وجود ندارد و مسئولین ذی‌ربط می‌توانند تغییرات ساختاری را از احداث فضاهای فرهنگی شروع کنند همچنین محققان آینده می‌توانند در خصوص استعدادیابی و توانایی‌های بالقوه‌ی ساکنین محله تحقیقات میدانی به عمل آورند و از سرمایه‌های انسانی در جهت رشد و توسعه محلات استفاده شود.

علاوه بر نکات فوق به منظور تغییر در میزان رضایت از زندگی و جلوگیری از خشونت می‌توان سبک‌های زندگی فرهنگی و اجتماعی جدیدی توسط محققین اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی بدیع و نوآورانه به جامعه‌ی حاشیه‌ای آموزش داد.

منابع

- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۴). ساختار جامعه و خشونت، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۴۷: ۸۴-۱۴.
- افشانی، سید علیرضا؛ پوررحیمیان، الهه. (۱۳۹۶). الگوسازی معادلات ساختاری تأثیر سرمایه فرهنگی بر خشونت خانگی علیه زنان، پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱۶، شماره ۳: ۲۹-۴۹.
- افشانی، سید علیرضا؛ نوایی، سعید؛ دلیبازی اصل، مجتبی. (۱۳۹۴). بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد، پژوهش‌های راهبردی نظم و امنیت اجتماعی، سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول: ۷۹-۹۴.
- امیراحمدی، رحمت‌الله؛ نوابخش، مهرداد؛ زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۹۵). بررسی نقش سرمایه فرهنگی اجتماعی بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: شهر مشهد)، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال پنجم، شماره ۸: ۱۲۳-۱۴۳.
- امینی رارانی، مصطفی؛ موسوی، میرطاهر؛ رفیعی، حسن. (۱۳۹۰). رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲: ۲۰۳-۲۴۸.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بگ‌رضایی، پرویز؛ زنجانی، حبیب‌الله؛ سیفاللهی، سیف‌الله. (۱۳۹۸). تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و خشونت در خانواده‌های شهر ایلام در سال ۱۳۹۶، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره ۲۷، شماره ۲، ۲۱-۴۲.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۰). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه‌ی مرتضی مردیپناه، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۴). شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری کیان تاج‌بخش، ترجمه افشین خاک‌باز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- رنجبر، میرمصطفی؛ امین مظفری، فاروق؛ عبدالهی، داود. (۱۳۹۸). گرایش به خشونت خیابانی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اردبیل)، مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره ۶۱: ۱-۱۸.
- زهری بیدگلی، محسن. (۱۳۶۴). بزه‌شناسی نزاع خیابانی، چاپ اول، تهران: جامعه‌شناسان.
- سلیمانپور، علی (۱۳۹۹)، نزاع، عامل ۳۵ درصد مراجعات به پزشکی قانونی استان اصفهان، <https://www.isna.ir>، آبان‌ماه ۱۳۹۹.

تبیین تغییرات ساختاری خشونت در جامعه (مورد مطالعه شهرستان خمینی شهر اصفهان)

- شریعتی، مسعود؛ مهاجری، محمدکاظم؛ ملکی، ابوالفضل. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده، فصلنامه‌ی پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم: ۹۵-۱۱۸.
- عابدینی، سمانه. (۱۳۹۴). بررسی عوامل تأثیرگذار بر خشونت خیابانی علیه زنان با استفاده از روش‌شناسی مشارکتی معطوف به کنش PAR، نامه انسان‌شناسی، دوره ۱۳، شماره ۲۲: ۹۲-۱۲.
- قاسمی، وحید؛ فائق، سحر؛ امیر، آرمین. (۱۳۹۲). سنجش سرمایه اجتماعی و سطح‌بندی آن در طبقات مختلف مناطق ۱۴ گانه شهر اصفهان در سال ۹۱-۱۳۹۰، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره سوم: ۷-۳۰.
- کرد کریمی، امیر؛ روشنایی، علی. (۱۳۹۵). مطالعه گونه‌شناسی و شیوع‌شناسی رفتارهای وندالیستی (مورد مطالعه دانش‌آموزان دوره متوسطه ناحیه یک همدان، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال پنجم، شماره ۹: ۷۴-۵۳.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- کنعانی، محمدمبین؛ عزیزخانی، اقباله؛ کلاتتری، حوریه. (۱۳۹۳). انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و رابطه آن‌ها با خشونت خانگی علیه زنان، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۹: ۸۸-۱۰۳.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- گلچین، مسعود؛ حیدری، علی حیدر. (۱۳۹۱). خشونت بین فردی و سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه: مطالعه‌ای اجتماعی در دبیرستان‌های پسرانه‌ی نورآباد لرستان، مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۱: ۱۷۷-۲۱۲.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). وندالیسم، تهران: انتشارات آن.
- محسنی، رضا علی؛ معین‌فر، سجاد و دیگران. (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خیابانی (مطالعه موردی: شهر ارومیه)، فصلنامه مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، دوره ششم، شماره ۲: ۷۵-۱۰۱.
- مدیری، آتوسا. (۱۳۸۵). جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲: ۲۸-۱۱.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- میرجعفری، سید اصغر؛ بیابانی، غلامحسین. (۱۳۸۷). کارگاه، درآمدی بر خشونت و جرائم خشونت‌بار، دوره دوم، شماره ۲: ۲۸-۴۴.
- نادری، آرزو. (۱۳۸۹). مطالعه علل رفتارهای وندالیستی در شهر همدان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهش اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، استاد راهنما دکتر اسدالله نقدی.
- Anderson, C. A; Bushman, B. J. (2002). "Human Agression" Annual review of psychology, 53: 27-51.
- Brown, B. B. Bentley, D. L. (1993). Residential Burglars judge risk: the role of Territoriality, Journal of Environmental Psychology, Vol. 13 No. 1.
- Cunningham, A; Jaffe, P. G; Baker, L; Dick, T; Malla, S; Mazaheri, N; & Poisson, S. (1998). "Theory- Drived Explanation of Male Violence against Female Partners: Literature Update and Related Implications for Treatment and Evaluation". London family court clinic Family, 33 (4) :624-636.
- Good, W. J. (1971). "Force and violence in the family Journal of Marriage and Family" Published By: National Council on Family Relations, pp. 624-636.
- Hindin, M. J; Kishor, S; & Ansara, D. L. (2008). "Intimate partner violence among couples in 10 DHS countries: predictors and health outcomes" (DHS Analytical Studies, No, 18). Calverton: Macro International Inc.
- Mayda, A. S. & Akkuş, D. (2004). "Domestic violence against 116 Turkish housewives: a field study" Women Health, 40(3): 95-108.
- Mayer, R. (1987). "A search for the elusive setting events of school vandalism", Journal of educational and treatment of children, Vol. 10, No. 3: 259-270.
- O Neill, D. (1998). "Poststructuralist Review of the Theoretical Litrature Surrounding Wife Abuse" Violence against Women, 4(4) :457-591.
- Putnam, Robert (2007). "Social capital and civil community".
- Sen, S; & Bolsoy, N. (2017). "Violence against women: prevalence and risk factors in Turkish sample", BMC Women's Health, 100: 1-9.
- Siegel, Larry J. (2016). "Criminology, the core, Sixth Edition" Wadsworth Cengage Learning.
- Siegel, Larry, J (2003). "Criminology, Wadsworth, A Division of Thomson learning Inc".
- Sousa, L; & Lyubomirsky, S. (2001). "Life satisfaction. In J. Wore (Ed.), Encylopedia of women and gender" Sex similarities and differences and the impact of society on gender" (Vol. 2, pp. 667-676). San Diego, CA: I.
- Wright, Darlene R.; Fitzpatrick, Kevin M. (2006). "Social Capital and Adolescent Violent Behavior" Social Forces, 84 :1435-1453.
- Wright, John; Cullen, Paul; Francis T.; Miller, Jeremy. (2001). "Family Social Capital and Delinquent Involvement" Journal of Criminal Justice, 29:1-9.